



## عدالت محاسبه‌گر در نهج البلاغه

کیومرث کلانتری<sup>۱</sup> و فاطمه نوری<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

### چکیده

امروزه سیاست جنایی محاسبه‌گر، شیوه‌ای نوین در کاهش و کنترل بزهکاری به‌شمار می‌آید. الگویی که در آن خطر ارتکاب جرم بر اساس ابزار پیشگیری وضعی، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته و سپس مدیریت می‌شود. بررسی فرامین و توصیه‌های مندرج در نهج البلاغه نشان می‌دهد که حدود چهارده قرن قبل، این مفهوم نوین علوم به‌عنوان سیاست جنایی خطرمدار با هدف کاهش و کنترل بزهکاری؛ به‌صورت همه‌جانبه مورد توجه امیرالمؤمنین علی(ع) قرار داشته است. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و تحلیل محتوا، معیارهای سنجش خطر جرم و چگونگی مدیریت آن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع) بررسی شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با پیروی از رهنمودهای آن حضرت در خطابه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه، می‌توان از طریق شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری، مصون‌سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر، تقویت، نظارت، رؤیت‌پذیری و بالابردن هزینه ارتکاب جرم به‌واسطه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب به پیشگیری وضعی کمک و خطر ارتکاب جرم را مدیریت نمود.

**کلیدواژه‌ها:** نهج البلاغه، عدالت محاسبه‌گر، پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی از جرم، مدیریت خطر جرم.

۱. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

مبارزه با خطر بزهکاری یکی از دغدغه‌های اصلی بشر بوده است. از این رو تدابیر مختلف کنشی و واکنشی آزموده و اجرا شده‌اند؛ اما همواره در این تدابیر، بازدهی مطلوب راهکارهای رویایی با بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت آن دسته از عوامل بزه‌آفرین نشانه‌گیری می‌شوند که نقش حیاتی در پیدایش بزهکاری دارند و با رفع آن‌ها از شکل‌گیری دیگر عناصر فرایند جنایی جلوگیری می‌شود. جرم‌شناسی به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای، با علت‌شناسی پدیده بزهکاری، دست‌کم از دو جنبه پیشگیری از تکرار جرم (از گذر بازپروری بزهکاران در چارچوب عدالت کیفری) و پیشگیری از جرم (مبارزه با علل اجتماعی، شخصی و علل وضعی و فنی بزهکاری) در دو قرن اخیر در مقام سامان‌بخشی اجتماعی بوده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۱۷). در تدابیر پیشگیرانه به‌ویژه تدابیری که معطوف به قبل از وقوع جرم است، مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و تأثیرگذار بر موقعیت‌های پیش‌جنایی صورت می‌گیرد (مظلومان، ۱۳۵۶: ۱۵۰ و گسن، ۱۳۷۰: ۱۷۸). از همین رو در سال‌های اخیر نگرش‌های تازه‌ای در حوزه علوم جنایی ایجاد گردیده که ماهیت آن‌ها کاملاً محاسبه‌گرانه و مدیریتی است. دیدگاه‌های نوینی که به‌جای بحث از تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری با رویکردی مدیریتی، «خطر ارتکاب جرم» را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و آن‌گاه مدیریت می‌کند (مک‌لاتولین و مانسی، ۲۰۰۱: ۲۵۱). پیشگیری نیز به‌عنوان شاخص مهم این نوع مدیریت، معنای نوینی یافته است، زیرا به‌جای تمرکز بر دلایل بزهکاری، بیشتر به تعیین «وضعیت‌های خطرناک برای تقویت کنترل آن‌ها» توجه دارد (ماری، ۱۳۸۳: ۳۴۱-۳۴۰)؛ به عبارت دیگر، پیشگیری از جرم، بخشی جدایی‌ناپذیر از کنترل مؤثر جرم است (بریدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۳۶) و هدف از آن قبل از هر چیز، افزایش کنترل و نظارت در جامعه است (کلارک، ۲۰۰۵: ۱۲). بر مبنای این نگرش، رویه‌های تقنینی، عملی و پلیسی بیش از پیش به سمت شیوه خاصی از پیشگیری مشهور به «پیشگیری وضعی» وضعیت‌مدار یا موقعیت‌مدار معطوف شده است؛ زیرا هدف اقدام‌های پیشگیرانه وضعی، کاهش فرصت ارتکاب جرم از طریق نظارت هرچه پایدارتر است به‌گونه‌ای که سختی اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش دهد و سودانگاری مجرمانه را پایین آورد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲)؛ بنابراین دواضع اصلی پیشگیری وضعی را می‌توان وضعیت‌های پیش‌جنایی تسهیل‌کننده جرم و افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکار دانست؛ پس پیشگیری وضعی یعنی «سیاست تقویت آماج جرم» که با افزایش آماج‌های جرم؛ رویداد جنایی را دشوارتر می‌سازد و از طریق نظارت و کنترل حمایت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر شناسایی گروه‌های بزهکاران از رهگذر محاسبات احتمالی و مدیریت آن‌ها به‌وسیله نظارت و سلب توان است (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۲۸). استقرار بازرس و پلیس در فضاهای جغرافیایی معین، نصب دوربین یا دزدگیر؛ نمونه‌های برجسته‌ای از این سیاست‌اند؛ زیرا در این موارد وضعیت و شرایط پیش‌جنایی به ضرر

1. McLaughlin &amp; Munceie

2. Bridgema

بزهکار دگرگون می‌شود و او را از ارتکاب جرم - دست کم نسبت به آن آماج حفاظت شده - منصرف می‌سازد که از این جهت آن را «پیشگیری پویا» نیز می‌نامند؛ زیرا «فرآیند گذار اندیشه مجرمانه به فعل» را قطع یا مختل می‌کند (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). این در حالی است که این نوع سیاست جنایی در آموزه‌های انبیاء الهی جهت توسعه ارزش‌های الهی و انسانی تبیین گردیده است.

### ۱-۱. بیان مسئله

این مقاله درصدد است که الگوی سنجش، محاسبه و مدیریت خطر را بر اساس خطابه‌ها (۲۴۱ خطبه)، نامه‌ها (۷۹ نامه) و کلمات قصار (۴۸۰ حکمت و کلمه قصار) نهج‌البلاغه مورد تحلیل قرار دهد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد؛ که معیارهای عدالت محاسبه‌گر در سنجش خطر بزهکاری در نهج‌البلاغه کدام است؟ و چگونه می‌توان برای ترسیم یک مدل مطلوب از عدالت محاسبه‌گر از آموزه‌های ارزشمند نهج‌البلاغه بهره برد؟ بدین منظور مطالب در دو بخش جداگانه، ابتدا مفهوم عدالت محاسبه‌گر و رابطه آن با پیشگیری از وقوع جرم بررسی شده است و سپس دیدگاه‌های حضرت علی(ع) در پیشگیری از وقوع جرم بر مبنای سه شاخص رویکرد عدالت محاسبه‌گر: «شناسایی فرصت‌های ارتکاب جرم»، «تقویت آماج جرم» و «کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم» تحلیل شده است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره عدالت محاسبه‌گر تألیفاتی در قالب کتاب و مقاله به نگارش درآمده است؛ از جمله؛ کتاب «سیاست جنایی ریسک مدار» (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۴۰) که نویسنده در آن به بررسی جامعه ریسک‌مدار و مجرم خطرناک از دیدگاه جرم‌شناختی پرداخته است. مقاله «کیفرشناسی-نو-جرم‌شناسی نو (درآمدی بر سیاست‌جنایی مدیریتی خطر جرم)» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۵۵۳)، منتشر شده در مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، نویسنده در این مقاله به بررسی اجمالی مدیریت خطر جرم و پاسخ کیفری و غیرکیفری نسبت به مجرمین خطرناک پرداخته است. مقاله «مدیریت خطر مجرمان» (فرجی‌ها و عابدی‌نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۷-۵۲) منتشر شده در مجله کارآگاه، نویسندگان در این مقاله معیارهای سنجش خطر را در نظام کیفری ایران بررسی نموده و مهم‌ترین این معیارها را سابقه کیفری و تعدد جرم ذکر نموده‌اند. همچنین با همین رویکرد مقاله «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۲۳)، منتشر شده در مجله حقوقی دادگستری، نیز با الگوبرداری از شاخصه‌های عدالت محاسبه‌گر به تحلیل و طبقه‌بندی پیشگیری و نقش ابزارهای اجتماعی، در کاهش و کنترل بزهکاری برآمده است. بریدمن (۱۹۹۶) هم در کتاب «مدیریت خطر جرم» معتقد است در این رویکرد پیشگیری بخش جدایی‌ناپذیر کنترل مؤثر جرم است. مک‌لائولین و مانسی (۲۰۰۱) نیز در پژوهشی به تجزیه و تحلیل علل شکل‌گیری جرم پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که تعیین گروه‌ها و وضعیت‌های خطر، موجب تقویت کنترل مجرمین می‌گردد. ماری نیز در کتاب «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالت محاسبه‌گر در اروپا» اظهار می‌دارد: کیفرشناسی نوین درباره افرادی مورد استفاده قرار می‌گیرد که پیش‌بینی می‌شود از طریق

کنترل و نظارت انضباط‌پذیر می‌شوند. این رویکرد دولت اجتماعی را به دولت اجتماعی امنیت‌مدار تبدیل می‌کند (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۱).

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی پیشینه موضوع حاکی از آن است که بیشتر مطالعات اعم از داخلی و خارجی پیرامون عدالت محاسبه‌گر، براساس دیدگاه صاحب‌نظران غربی انجام شده است. در صورتی که منابع اصلی الهام‌بخش و کاربردی عدالت محاسبه‌گر و مدیریت ریسک جرم؛ متون ارزشمند دین مبین اسلام؛ همچون قرآن و نهج‌البلاغه می‌باشند. حضرت علی(ع) با واقع‌بینی نسبت به مسائل اجتماعی و کجروی و نیز خصوصیات و ویژگی‌های انسان‌شناختی انسان، ضمن معرفی گروه‌های خطرناک و در معرض بزهکاری و نیز وضعیت‌های جرم‌خیز، راهکارهای عملی و تئوریک خاصی را برای کاهش انحراف و کج‌رفتاری ارائه نموده است؛ که نه تنها تمام عرصه‌های سیاست جنایی جامعه آن روز را تحت‌الشعاع قرار داده بود، بلکه زمینه تقویت دانش توسعه سیاست جنایی امروزی را نیز فراهم آورده است. موضوعی که کنون کمتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است و تا آن‌جا که نگارندگان این مقاله جستجو نموده‌اند، در باب بررسی آموزه‌های نهج‌البلاغه در قالب این رویکرد، پژوهشی یافت نشد و این مسأله ضرورت تحقیق در این باره را توجیه می‌نماید.

### ۲. چارچوب نظری

فیلی و سیمون<sup>۱</sup> معتقدند که در ایالات متحده آمریکا از سی سال پیش تاکنون کیفرشناسی فردمدار (مجازات یا درمان) جای خود را به رهیافتی از کیفرشناسی داده است که تلاش می‌کند گروه‌های در معرض خطر بزهکاری را مراقبت و کنترل کند. هدف این کیفرشناسی نوین، تنظیم میزان بزهکاری (به‌عنوان خطری بهنجار) در اجتماع است. در واقع هدف کیفر، دیگر حذف خطر ارتکاب بزهکاری نیست، بلکه می‌خواهد بزهکاری را «قابل تحمل» و آن را در محدوده امنیتی قابل‌قبولی برای جامعه تثبیت کند (فیلی و سیمون، ۱۹۹۲: ۱۴۸). این گفتمان در دورنمایی مدیریتی، رویکردی سنجشی - محاسبه‌ای را در مورد جمعیت‌ها و گروه‌های بزهکار یا در معرض ارتکاب بزهکاری اعمال می‌کند (همان: ۳۳۵).

در رویکرد عدالت‌محاسبه‌ای<sup>۲</sup>، کانون توجه از جرم به «خطر جرم» تغییر می‌یابد، خطری که به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی بهنجار (نرمال) باید آن را پذیرفت. تفاوت این رویکرد با نظریه بهنجار بودن جرم دورکیم در این است که وی، خطر جرم را یک واقعیت بهنجار اجتماعی می‌داند که می‌توان آن را کاهش داد، ولی نمی‌توان آن را از میان برد (قاسمی‌مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۴). این سیاست کنترل جرم که با عنوان‌های عدالت سنجشی، تخمینی، خطرمدار، کیفرشناسی جدید یا جرم‌شناسی جدید مشهور شده است؛ سازوکارهای حقوق کیفری و جرم‌شناسی را به‌منزله وسایل و ابزار مدیریت خطر جرم به کار می‌گیرد و آنها را از

1. Feeley & Simon

2. Actuarial Justice

کارکردهای اخلاقی، با‌دارندگی بالینی و پیشگیری علت‌شناسی خود، دور می‌کند. برای نمونه راهبرد آن شناسایی و مدیریت گروه‌های سرکش مجرم است و هدف آن «محو» جرم نیست، بلکه «قابل‌تحمل ساختن» آن از طریق نظام‌بخشی است (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۶). در این سیاست جنایی، پیشگیری نیز از وسایل و امکانات، برای کنترل جرم یا خطر جرم است و مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌دهد؛ ۱- حذف یا محدود کردن عوامل جرمزا و تأثیرگذار بر موقعیت‌های پیش‌جنایی ۲- اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی که به‌نوبه خود فرصت‌های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۷۵۰).

در پیشگیری از جرم در رویکرد جدید، شناسایی سیمای جنایی و ویژگی‌های خطرناک و وضعیت‌های خطرناک برای نظارت بهتر بر آنان به‌منظور توان‌گیری در زمان و مکان صورت می‌گیرد (همان: ۷۴۵). در این باره پیشگیری وضعی، ابزار عدالت‌سنجشی یا محاسبه‌گر به شمار می‌آید. این ابزار، فرد را فرصت‌طلب معرفی می‌کند. در این نوع پیشگیری، پیش‌بینی، نقش‌محوری دارد. موقعیت پرخطر باید شناسایی شود. این موقعیت ممکن است ناشی از یک آماج باشد. به‌علاوه، به دنبال تعالی جامعه و نهادهای آن نیست؛ بلکه به شکل ساده به دنبال روش‌هایی برای کنترل جرم است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۴۱). امروزه این پیشگیری در قالب سیاست جنایی خطرمدار و به‌عنوان مهم‌ترین ابزار آن در این عرصه به‌کار گرفته می‌شود. به تعبیر دیگر، پیشگیری وضعی ابزار عدالت محاسبه‌گر و روش‌های آن در راستای تقویت آماج جرم، ارتقای سطح نظارت اجتماعی، رسمی و ... است (همان: ۱۸). این نوع سیاست جنایی در آموزه‌های انبیاء الهی جهت توسعه ارزش‌های الهی و انسانی تبیین گردیده است. در این پژوهش برای تحلیل سنجش و مدیریت خطر جرم از دیدگاه نهج‌البلاغه؛ ابتدا به رابطه پیشگیری وضعی و عدالت محاسبه‌گر اشاره می‌شود و سپس نقش آموزه‌های نهج‌البلاغه در پیشگیری وضعی، بر مبنای مؤلفه‌های عدالت محاسبه‌گر (شناسایی، مصون‌سازی و کنترل) بررسی می‌گردد.

### ۳. پیشگیری وضعی و عدالت محاسبه‌گر

در رویکرد عدالت محاسبه‌گر، مجرمان پرخطری را که نمی‌توان با نظارت و کنترل در جامعه از ارتکاب جرم بازداشت با ابزار کیفی، ناتوان می‌سازند و سایر مرتکبان نیز در بستر جامعه و از طریق ابزار غیرکیفی، مورد نظارت و کنترل قرار می‌گیرند، یا از ارتکاب بزه بازداشته می‌شوند. در این دیدگاه، علاوه بر سازوکارهای کیفی، به ابزارهای جرم‌شناختی نیز توجه شده است. به‌طور کلی، این نگرش دو نوع مدیریت خطر جرم را در خود جای می‌دهد: مدیریت کیفی خطر جرم و مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم که بر محور پیشگیری قرار می‌گیرد؛ اما پیشگیری در سیاست محاسبه خطر و ریسک‌سنجی؛ به دنبال آن است تا از ایجاد موقعیت‌های پرخطر که می‌توانند حادثه‌ساز و در واقع جرم‌ساز شوند جلوگیری کند. به همین دلیل،

مناسب‌ترین نوع پیشگیری که این سیاست برگزیده، پیشگیری وضعی، وضعیت‌مدار یا موقعیت‌مدار از جرم است؛ زیرا بر موقعیت، فرصت و وضعیت تکیه دارد.

این پیشگیری درصدد است تا از طریق حذف موقعیت‌های شناسایی‌شده دارای خطر جرم، از بزه جلوگیری کند؛ بنابراین سیاست عدالت محاسبه‌گر از ابزارهای پیشگیری وضعی استفاده می‌کند. اصطلاح محاسبه و سنجش در خصوص یک موقعیت مهبیای ارتکاب جرم به‌کار می‌رود و تلاش می‌شود موقعیت‌های پرخطر یعنی اوضاع و احوالی که بیشترین فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، شناسایی و مدیریت شوند. پیشگیری در این مفهوم به معنای انجام اقدامات یا اتخاذ تدابیر مبتنی بر پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر، برای جلوگیری از وقوع یا کاهش یا به تعویق انداختن یا حتی تعدیل آثار، تغییر آماج یا شیوه ارتکاب آن است (صفاری، ۱۳۸۰: ۶۰). از مهمترین روش‌های پیشگیری وضعی، کنترل و نظارت است؛ که نقش مهمی در پیشگیری از جرائم یا کاهش میزان ارتکاب آنها دارد.

#### ۴. نقش آموزه‌های نهج‌البلاغه در پیشگیری وضعی بر مبنای رویکرد عدالت محاسبه‌گر

امروزه عموم روش‌های پیشگیری وضعی مبتنی بر کنترل و نظارت است. در واقع پیشگیری وضعی به کمک آموزه‌های نهج‌البلاغه از طریق شناسایی، مصون‌سازی و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم به مدیریت خطر جرم می‌پردازد. در گذشته در نظام عدالت کیفری به معیارهایی مانند سابقه بزهکار، روابط او با دیگران، سن بزهکار و شغل او توجه گردیده و پیشگیری بر مبنای «معیارهای معنوی تأثیرگذار به موقعیت پیش‌جنایی» کمتر مورد تأکید قرار می‌گرفت (بابایی، ۱۳۸۴: ۱۷۲). درحالی‌که امروزه با تکیه بر ابزار جدید جرم‌شناسی، پیشگیری مهم‌ترین ابزار کنترل خطر جرم است؛ که هدف آن شناسایی سیمای جنایی مرتکبین با توجه به ویژگی‌های معنوی آنان، برای نظارت بهتر بر آنان صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۴۵). لذا پیشگیری وضعی، ابزار اصلی رویکرد عدالت محاسبه‌گر به شمار می‌آید؛ که به‌وسیله آن کنترل بزه و مدیریت خطر ارتکاب جرم تحقق می‌یابد. دستیابی عملی به این نوع پیشگیری از جرم از یک‌سو، نیازمند کاهش هرچه بیشتر فرصت‌های مجرمانه از طریق اعمال اقدامات حمایتی و محافظتی است و از سوی دیگر، با بهبود شرایط فردی و اجتماعی وابسته است که ممکن است زمینه‌ساز ارتکاب جرائم باشد.

رویکرد عدالت محاسبه‌گر از ایده اصلاح و درمان مجرمان فاصله گرفته و با تمرکز بر پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه احتمالی جرم در آینده از ساز و کارهای مدیریت و کنترل خطر مجرمان بهره‌گیری می‌کند (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۵). پیشگیری بر مبنای سنجش و محاسبه بیش از هر چیز به‌دنبال آن است تا از ایجاد موقعیت‌های پرخطر که می‌توانند حادثه‌ساز و در واقع جرم‌ساز شوند، جلوگیری کند. اقدامات این نوع پیشگیری با محو یا مسدودکردن موقعیت‌های مجرمانه، سطح بزه را کاهش می‌دهد. در سخنان و آموزه‌های امام علی(ع) مفهوم پیشگیری را می‌توان از واژگانی نظیر «وقایه»، «نجات»، «دفع»، «تحصین»

و... استخراج کرد. امام(ع) در خطبه‌های متعدد، از بین بردن زمینه‌های بزهکاری و انحراف را جهت اصلاح امور مردم امری ضروری و ارزشمند قلمداد می‌نمایند.

#### ۴-۱. آموزه‌های نهج البلاغه و شناسایی موقعیت‌های دارای خطر جرم

قبل از شروع هر اقدامی باید جرم و عوامل تأثیرگذار بر آن شناسایی شود. در پیشگیری وضعی به‌عنوان بخشی از عدالت محاسبه‌گر «شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری» و «آماج‌های بالقوه جرم» اولین مرحله و نقطه آغاز اقدامات است و تا زمانی که مناطق دارای خطر یا در معرض خطر شناسایی نشوند، نمی‌توان برنامه مؤثری را برای پیشگیری از جرم طراحی کرد. برای این منظور باید فرصت‌های موجود بررسی گردد و با اعمال این پیشگیری هزینه (خطر) ارتکاب جرم افزایش یابد؛ زیرا پیشگیری مؤثر از جرم، حتی به‌صورت جزئی یا خاص، جز با درک صحیح و علمی از مفهوم و فرایند وقوع جرم مانند شناخت جرم، شگردهای ارتکاب آن، شرایط مرتکب و محیط اطراف وی امکان‌پذیر نخواهد بود (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۷۱). به‌ویژه در پیشگیری وضعی که درصدد است تا گذار اندیشه مجرمانه به عمل را قطع کند، باید اطلاعات دقیق در مورد مراحل مختلف فرایند آسیب‌شناسی جرم، جمع‌آوری و اجرای طرح پیشگیری و کنترل جرم مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۸)؛ تا با تعیین نقاط جرم‌خیز و شناسایی عوامل جرم، بتوان یک نیمرخ جنایی درست ترسیم کرد. با داشتن اطلاعات دقیق از «سیمای جنایی»، می‌توان شرایط را برای پیشگیری، سرکوب و تدوین راهبردهای مناسب فراهم نمود. این مهم به‌روشنی در شیوه عملی و گفتار امام علی(ع) دیده می‌شود. با شناسایی عامل خطر می‌توان تدابیری برای کنترل آن خطر اتخاذ نمود. در نهج البلاغه عواملی نظیر «کینه»، «حسد»، «بخل»، «تکبر»، «تفاخر»، «طمع‌ورزی»، «ذلت‌پذیری»، «وابستگی فکری»، «بی‌وفایی»، «سوءظن به دیگران»، «غضب»، «خشم»، «حرص»، «خیانت» و... عوامل خطرزا معرفی شده‌اند. حضرت علی(ع) در جای‌جای نهج البلاغه راجع به این «رذایل اخلاقی» سخن گفته و مردم را از ارتکاب آنها بر حذر داشته‌اند. علاوه بر آن ظلم و بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی به‌عنوان عامل تأثیرگذار در ایجاد بزهکاری و فساد مورد تأکید امیرالمؤمنین علی(ع) قرار گرفته است؛ بنابراین مهم‌ترین عوامل جرم‌زا در نهج البلاغه عبارتند از: دوری از کرامت انسانی و رذایل اخلاقی، ظلم و بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی که فراوانی توجه به آنها در نهج البلاغه در جدول ۱ به نمایش درمی‌آید.

#### ۴-۱-۱. دوری از کرامت انسانی و رذایل اخلاقی

از نیازهای اساسی انسان، حفظ و پاسداشت کرامت اوست. لذا عدم توجه به آن، عامل مهمی در وقوع جرائم، خواهش‌ها و هوس‌های زودگذر و رذایل اخلاقی می‌گردد. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ» (نامه/۶۱): «نابود شد کسی که قدر خود را نشناخت». این سخن حضرت اشاره روشن دارد، به اینکه انسان بایستی قدر و منزلت وجودی خویش را حفظ نماید. از میان رذایل اخلاقی به‌عنوان یک عامل درونی در ارتکاب بزه و خطرآفرینی «دنیاپرستی»، «کبر» و «بخل» از نظر فراوانی بیش از سایر موارد در نهج البلاغه مورد نکوهش و تحذیر واقع شده‌اند:

### الف. دنیاپرستی

«دنیاپرستی» به معنای وابستگی و دل بستگی به دنیا و مظاهر آن است. در میان واژه‌های اخلاقی و ضد اخلاقی؛ واژه دنیا و دنیاپرستی در نهج البلاغه بسیار به کار رفته است. واژه دنیا حدود دویست و بیست و هفت بار در نهج البلاغه تکرار شده است و آثار منفی آن نیز بر شمرده شده است؛ مانند:

۱. میراندن قلب: دنیاپرستی قلب انسان را که کانون عواطف و فضایل انسانی است می‌میراند حضرت علی(ع) در وصف نافرمانان و دنیاپرستان فرموده‌اند: «... وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ...» (خطبه/۱۰۹): «دوستی دنیا دلش را میرانده است...».

۲. اسارت انسان: دنیاپرستی آزادگی انسان را می‌گیرد و او را بنده خود می‌گرداند: «وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَوَلَّهَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَ لِمَنْ فِي يَدِهِ شَيْءٌ مِنْهَا. حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا وَ حَيْثُمَا أُقْبِلَتْ أُقْبِلَ عَلَيْهَا...» (همان): «دلش را میرانده، جان او شیفته دنیاست، بنده دنیاست و بنده هم که از دنیا چیزی در دست دارد هر جا دنیا باشد در پی آن رود و هر جا روی آرد روی بدان جا کند...».

۳. اندوه و عدم آرامش: «مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ يُحِبُّ الدُّنْيَا التَّاطُ قَلْبُهُ مِنْهَا بَثَلَاتٍ. هُمْ لَا يُعْبَهُ وَ حِرْصٌ لَاتُرْكُهُ وَ أَهْلٌ لَأَيُّدِرْ كَهُ...» (حکمت/۲۸۸): «آن که دلش به دوستی دنیا شیفته شود، دل او به سه چیز دنیا چسبیده است: اندوهی که از او دست بردارد، حرصی که او را نگذرد و آرزویی که آن را به چنگ درنیارد».

### ب. کبر

«کبر» عبارت است از حالتی که انسان خود را بالاتر از دیگری ببیند و بر برتری خود بر دیگران معتقد باشد. این مفهوم پس از دنیاپرستی بیش از دیگر ردایل اخلاقی به عنوان عامل زمینه‌ساز خطر و بزهکاری مورد نکوهش و مذمت امام علی(ع) قرار گرفته است. واژه کبر حدود سی بار در نهج البلاغه به کار رفته است. امام فرموده‌اند: «وَالْحِرْصُ وَ الْكِبْرُ وَ الْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ» (حکمت/۳۷۱): «حرص، کبر و حسد انسان را به فرو افتادن در گناهان برمی‌انگیزانند»؛ و در مورد قابیل می‌فرمایند: «وَلَا تَكُونُوا كَالْمُتَكَبِّرِ ... وَ نَفَخَ الشَّيْطَانُ فِي أَنْفِهِ مِنْ رِيحِ الْكِبْرِ الَّذِي أَعْقَبَهُ اللَّهُ بِهِنَّ النَّدَامَةَ وَ الزَّمَمَةَ آثَامَ الْقَاتِلِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (خطبه/۱۹۲): «همچون قابیل مباش که بر برادر خود تکبر ورزید. شیطان باد کبر در او دمید و خداوند در پی آن به او پشیمانی داد و تا روز قیامت گناه قاتلان را برگردان او نهاد». همچنین حضرت(ع) از تکبر به عنوان «مایه لغزش» یاد کرده و فرموده‌اند: «بَعَثَهُ النَّاسُ ضَلَالًا فِي حَيْرَةٍ. وَ خَابَطُونَ فِي فِتْنَةٍ. قَدَاسَتْهُوَتَهُمُ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَزَلَّتْهُمُ الْكِبْرِيَاءُ» (خطبه/۹۵): «او را برانگیخت، حالی که مردم سرگردان بودند و بیراهه فتنه را می‌پیمودند، هوا و هوسشان سرگشته ساخته، بزرگی خواهی‌شان به فرو دستی انداخته». همچنین در کلامی دیگر با اشاره به این که کبر و خودبزرگ بینی از بزرگ‌ترین دام‌های شیطان است، انسان‌ها را از گرفتار شدن در این لغزش‌گاه هولناک بر حذر داشته‌اند: «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ وَ آجَلِ وَ خَامَةِ الظُّلْمِ، وَ سَوْءِ عَاقِبِهِ»



الْكَبِيرِ فَانَهَا مَصِيدَةٌ إِبْلِيسَ الْعُظْمَى وَ مَكِيدَتُهُ الْكُبْرَى» (خطبه/۱۹۲): «پس خدا را، خدا را پرهیزید از سرکشی در این جهان و بترسید از کیفر ناخوشایند ستم در آن جهان و پایان زشت خودبینی که دامی است نهاده شیطان، دامی بزرگ و سترگ».

### ج. بخل

«بخل» به معنی منع و بخشش نکردن است و در مقابل جود به کار می‌رود. بخل از آن گروه مفاهیم اخلاقی است؛ که بسیار مورد مذمت امام علی(ع) واقع شده است و حدود هیجده بار در نهج البلاغه به کار رفته است. بخل سرچشمه و مجمع بدی‌ها معرفی شده است: «الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَ هُوَ زَمَامٌ يُقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ» (حکمت/۳۷۸): «بخل سرچشمه همه زشت کاری‌هاست و مهاری است که انسان را به سوی همه بدی‌ها می‌کشاند». یا «الْبُخْلُ عَارٌ...» (حکمت/۳): «بخل مایه ننگ و پستی است». بدین معنا که بخل هم مایه خواری و پستی انسان می‌شود و هم جایگاه اجتماعی فرد را تباه می‌سازد و مانع کمک او به دیگران می‌شود، فقر را در جامعه ایجاد می‌کند و فقر زمینه گناه و ناامنی در جامعه است.

### ۴-۱-۲. ظلم و بی‌عدالتی

دادستانی و حقوق دیگران را چون حقوق خود دانستن در نگاه پیشوایان دین از مصداق‌های برتر عمل به عدالت است. امیرمؤمنان علی(ع) به اسوه بن قطبه سردار سپاه حلوان فرموده‌اند: «فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي الْجَوْرِ عِوَضٌ مِنَ الْعَدْلِ. فَاجْتَنِبْ مَا تُنْكِرُ أَمْثَالَهُ، وَابْتَدِلْ نَفْسَكَ فِيمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ رَاجِيًا تَوَابَهُ وَتَخَوُّفًا عِقَابَهُ» «بی‌گمان ستم را با عدل عوض ندهند. پس خود را از آن چه مانند آن را برای خود نمی‌پسندی دور ساز و جان خود را در کاری که خدا بر تو واجب فرمود دربار، درحالی که پاداش آن را امیدواری و از کیفرش ترسانی» (نامه/۵۹)؛ و یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «وَإِيمُ اللَّهِ لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَلَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ، حَتَّى أُرِدَّهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهًا» (خطبه/۱۳۶): «به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او تا آب‌شخور حق کشانم».

### ۴-۱-۳. شکاف طبقاتی

تأکید بر ضرورت فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از تنگدستی مردم، هشدار برای جلوگیری از خطر جرم و از جمله خیانت به اموال عمومی است. همان اصطلاح «جرائم یقه سفیدها»<sup>۱</sup> که اولین بار در سال ۱۹۴۰ توسط ادوین ساترلند<sup>۲</sup> جرم‌شناس آمریکایی، برای معرفی جرائم طبقات مرفه و صاحب‌منصب اجتماعی به کار رفت (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۳۵۴). می‌توان گفت؛ مساوات و رفع شکاف طبقاتی باعث تضمین امنیت اقتصادی مردم می‌گردد؛ و اختلاف طبقاتی باعث افزایش حس کینه‌توزی، انتقام‌جویی و بدبینی افراد و بی‌ثباتی اوضاع می‌شود. امام(ع) تأکید زیادی بر مبارزه قاطع با فقر و مستمندی

1. White Collar Crime

2. Edvin Saterland

داشته است، به گونه‌ای که در بخشی از خطبه شششقیه می‌فرمایند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ. وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِظِّهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا» (خطبه/۳): «اگر این بیعت‌کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌نمودند، خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنمایند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند رشته این کار را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم». یا در جایی دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا وَ إِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاهِ عَلَى الْجَمْعِ وَ سَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ» (نامه/۵۳): «همانا ویرانی ملک از فقر و تنگدستی مردم آن، به بار می‌آید و مردم کشوری هنگامی دچار فقر می‌شوند که حاکمان به ثروت‌اندوزی میل کرده و نسبت به ماندن خویش در حکومت متزلزل باشند و از گذشته نیز پند نیاموزند».

همچنین خطاب به مالک اشتر، یکی از علت‌های خیانت و دست‌اندازی کارگزاران به حقوق زیردستان را «فقر» دانسته و فرموده‌اند: «ثُمَّ أَسِيغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقُ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غَنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ» (همان): «پس روزی اینان را فراخ دار که فراخی روزی نیروشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی‌نیازشان کن تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند».

جدول ۱: شناسایی عوامل خطر بر مبنای رویکرد مدیریت محاسبه‌گر نهج البلاغه

| ردیف | عامل خطری                                | فراوانی موضوع                   | موارد انتخابی در پژوهش                                    |
|------|--|---------------------------------|---|
| ۱    | دوری از کرامت انسانی و وجود ردایل اخلاقی | ۱۸۵ خطبه<br>۴۵ نامه<br>۲۳۲ حکمت | خطبه‌ها: ۱۰۹-۱۹۲<br>نامه‌ها: ۶۱<br>حکمت‌ها: ۳-۲۸۸-۳۷۱-۳۷۸ |
| ۲    | ظلم و بی‌عدالتی                          | ۳۰ خطبه<br>۸ نامه<br>۱۷ حکمت    | خطبه‌ها: ۱۳۶<br>نامه‌ها: ۵۹                               |
| ۳    | شکاف طبقاتی                              | ۴ خطبه<br>۹ نامه<br>۱۳ حکمت     | خطبه‌ها: ۳<br>نامه‌ها: ۵۳                                 |

#### ۲-۴. آموزه‌های نهج البلاغه و مصون‌سازی آماج‌های بالقوه جرم

در رویکرد عدالت محاسبه‌گر و برنامه پیشگیرانه آن تلاش این است که پس از شناسایی وضعیت‌های جرم‌زا و آماج‌های مستعد بزهکاری و میزان خطر آن‌ها، با انجام اقداماتی این وضعیت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل نشود. یکی از این اقدامات «مصون‌سازی این آماج» است. در واقع در پیشگیری وضعی، با مصون‌سازی آماج و ایمن کردن فضاهای آسیب‌پذیر می‌توان بزهکاران را از ارتکاب منصرف نمود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۷۵)؛ زیرا با ایمن‌سازی و مصون‌کردن آماج جرم، فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، متوقف یا دست‌کم کند می‌شود (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۴). هدف در پیشگیری وضعی، حمایت و حفاظت از آماج جرم

است که از طریق ایجاد موانع میان بزهکار و بزه‌دیده، باعث کاهش انگیزه ارتکاب جرم می‌شود. این موانع، موانع انسانی و معنوی را در برمی‌گیرد. در پیشگیری وضعی، از طریق تقویت آماج یا ایجاد فضاهای قابل دفاع از جرم پیشگیری می‌شود؛ زیرا در این شیوه، معادله جرم به نفع بزه‌دیده و به ضرر بزهکار تغییر می‌کند و موقعیت ارتکاب جرم از مرتکب گرفته می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۲۶۵-۲۶۴۹). در مواردی که آماج‌های جرم محافظت نشده وجود داشته باشد، افراد نسبت به ارتکاب جرم وسوسه می‌شوند. به‌علاوه دیگر راهبردهای محافظت از آماج‌ها، با دو هدف اساسی پیشگیری وضعی هماهنگ است: ۱- کاهش وسوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد و ۲- دشوار نمودن وقوع عمل مجرمانه (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۲۶۳).

از جمله ابزارهایی که نهج‌البلاغه در اختیار جرم‌شناسی محاسبه‌گر قرار می‌دهد تا به مصون‌سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر بپردازد عبارتند از: ترویج اخلاق فاضله، ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی، پرورش روحیه دینداری، خداآوری و آخرت‌محوری؛ که فراوانی توجه به آنها در نهج‌البلاغه، در جدول شماره دو به نمایش درمی‌آید.

#### ۴-۲-۱. ترویج اخلاق فاضله

در سخنان امیرالمؤمنین (ع) از جمله اولویت‌ها در حفاظت از آماج جرم مبارزه با رذایل اخلاقی است؛ زیرا از نظر ایشان سرچشمه بسیاری از شرارت‌ها و پلیدی‌ها، رذایل اخلاقی است. توصیه‌های آن حضرت در زمینه تقوی، زهد، ایثار، همدلی، تحمل، صبر، پرهیز از دنیاپرستی، حسد ... همه در جهت پرورش اخلاقی است که در پیشگیری از بزهکاری نقش مهمی را ایفا می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسانی که به این صفات آراسته شدند به‌راحتی درازمدت رسیده‌اند. «أَعْقَبْتَهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً...» (خطبه/۱۹۳): «به دنبال آن به‌راحتی درازمدت رسیده‌اند».

#### ۴-۲-۲. ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری

اقامه حق و دفع باطل از طریق مقابله با ظالمان و ستمگران و دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان عامل مهمی در رشد و پویایی جامعه و پیشگیری از جرم است. در نهج‌البلاغه متجاوز بر سیصد بار کلمه «حق» بکار برده شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرِ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتَقَامَ المُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (خطبه/۱۳۱): «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به‌دست‌آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد». یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَهِیَ أَحَبُّ

إِلَىٰ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا» (خطبه/۳۳): «به خدا سوگند که همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر این که حقی را با آن به پا دارم یا باطلی را دفع نمایم».

#### ۴-۲-۳. پرورش روحیه دینداری، خداباوری و آخرت‌محوری

یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از جرم، دینداری است. داشتن رابطه مستحکم با خداوند، ترس از قیامت و اعتقاد به حسابرسی روز جزا نقش مؤثری در کاهش جرم دارد. در سیره عملی امام علی(ع) نیز توجه دادن به مرگ‌باوری، عامل پیشگیری از فساد است. واژه «موت» حدود یکصد و بیست و پنج بار در نهج‌البلاغه آمده است. امام علی(ع) در وصیت به امام حسن فرموده‌اند: «... احی قلبک بالموعظه ... وذلله بذکر الموت ...» (نامه/۳۱): «دلّت را با اندرز زنده بدار و با یاد مرگ آن را رام کن...»؛ و در جای دیگر: «يَا بَنِي أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ» (خطبه/۱۸۸): «بسیار به یاد مرگ باش». امام علی(ع) کارگزاران و مردم را به تمرین مرگ‌باوری سفارش می‌کند و آن را عاملی جهت پیشگیری از فساد می‌داند و می‌فرماید: «لَهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةُ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحْيُوا تَرَكَهَا. وَالْمُبْلِيهِ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحْيُونَ تَجَدِّدِهَا» (خطبه/۹۹): «این دنیا را که وانهدند شماست واگذارید، هر چند وانهادن آن را دوست نمی‌دارید. دنیایی که تن‌ها را کهنه می‌کند، هر چند نوشیدن آن را خوش دارید». فراموشی آخرت و غفلت از حساب و معاد از جمله اموری است که بیم انسان را از انجام نواهی از بین برده و انجام هر فعل ضداخلاقی را روا می‌دارد. در واقع انسانی که از یاد خدا و اندیشه مرگ غفلت ورزد از ارتکاب عمل ناپسند و سخن ناروا دریغ نمی‌ورزد. امیرمؤمنان(ع) در خطبه ۸۴ ضمن بازگویی سخنان عمروبن عاص و نسبت‌های ناروایی که به حضرت داده بود علت این هرزه‌گویی را فراموشی آخرت و غفلت از یاد مرگ برشمرده‌اند «عَجَبًا لِبَنِ النَّابِغَةِ يَزَعُمُ لِأَهْلِ الشَّامِ ... أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعْبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ. وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نِسْيَانُ الْآخِرَةِ» «آگاه باشید به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد ولی (عمرو عاص) را فراموشی آخرت از سخن حق بازداشته است». تأثیر غفلت در لغزش و انحراف انسان به قدری است که امام علی(ع) نیز از آن به خدا پناه برده و فرموده است: «و نحن نستقبل الله عثره الغفلة» (حکمت/۳۶۹): «و ما از خدا می‌خواهیم از لغزش و غفلت در گذرد».

#### جدول ۲: مصون‌سازی آماج‌های پرخطر

| ردیف | ابزار مصون‌سازی آماج جرم                   | فراوانی موضوع                   | موارد انتخابی در پژوهش                                |
|------|--|---------------------------------|---|
| ۱    | ترویج اخلاق فاضله                          | ۱۲۸ خطبه<br>۳۷ نامه<br>۲۴۵ حکمت | خطبه‌ها: ۱۹۳  |
| ۲    | ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری        | ۱۹۶ خطبه<br>۳۶ نامه<br>۱۳ حکمت  | خطبه‌ها: ۱۳۱-۳۳<br>نامه‌ها: ۲۱-۲۷<br>حکمت‌ها: ۱۴۰-۱۰۹ |
| ۳    | پرورش روحیه دینداری، خداباوری و آخرت‌محوری | ۱۸۶ خطبه<br>۸ نامه<br>۴۷ حکمت   | خطبه‌ها: ۱۸۸-۹۹-۸۴-۱۹۰<br>نامه‌ها: ۳۱<br>حکمت‌ها: ۳۶۹ |

### ۳-۴. آموزه‌های نهج البلاغه و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم

«سکوگان» و «مکس فیلد»<sup>۱</sup> معتقدند که پیشگیری از جرم می‌تواند در دو دسته عمده تجزیه شود؛ راهبردهای اجتناب و مدیریت خطر.<sup>۲</sup> آنان استدلال می‌کنند که اجتناب از وضعیت‌ها و موقعیت‌های خطرناک به کمک کاهش خطر جاری در موقعیت تهدیدکننده، به‌طور بالقوه، خطر بزهکاری را کاهش می‌دهد. عملیات عدالت محاسبه‌گر و سنجش خطر نیز به همین معناست؛ یعنی فردی که خود را در یک موقعیت یا وضعیت بالقوه خطرناک می‌یابد، می‌تواند با اقدامات احتیاطی، بزهکاری خود را کاهش دهد (اسکات، ۲۰۰۳: ۲۰۵). پیشگیری وضعی از طریق مراقبت و نظارت بر مناطق و عوامل جرم‌زا و کنترل مواردی که احتمال ارتکاب جرم وجود دارد به این امر می‌پردازد. از این طریق این پیام به بزهکاران بالقوه منتقل می‌شود که جرم شما مشکل، پرخطر و کم‌فایده (منفعت‌زدایی) شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). مراقبت و نظارت، یکی از روش‌های متداول پیشگیری از جرم است. نظارت و کنترل اعم از خودکنترلی، کنترل رسمی و غیررسمی، از جمله راهبردهای کنترل جرم به حساب می‌آید که هدف آن، کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا برای ارتکاب جرم است (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸: ۹۹) و موجب می‌شود تا فرد مجرم احساس خطر کند و از حاشیه امنی که برای خود ایجاد کرده است؛ مطمئن نباشد و در نتیجه از ارتکاب جرم او را منصرف نماید. در واقع با به‌کارگیری تدابیر وضعی، مجرم وادار به تفکر و اعمال محاسبه و سنجش خطر جرم می‌شود. مجرم با سنجش میزان سود حاصل از عمل ارتکاب و خطرات و ضررهای احتمالی تصمیم می‌گیرد که دست به ارتکاب جرم بزند یا خیر (کلاتری، ۱۳۷۴: ۴۲). به نظر کلارک و کرنیش براساس تحلیل اقتصادی جرم، ارتکاب جرم بیشتر برای جلب منفعت آن است. در این صورت مرتکب ضمن جلب منفعت سعی می‌کند از ضررهای ناشی از آن (خطر شناسایی و دستگیری، آبروریزی و مجازات) نیز احتراز کند؛ بنابراین، وقتی فردی قصد ارتکاب جرمی را دارد، دو عامل برای او تعیین‌کننده است: محاسبه و تضمین سود حاصل از ارتکاب جرم و احتراز از خطرات و پیامدهای زیانبار آن. ارتکاب جرم از این منظر یک انتخاب سنجیده و حساب شده و در نتیجه قابل پیش‌بینی است که می‌توان با درک صحیح نحوه شکل‌گیری و اجرای آن، وارد عمل شده و از فعلیت یافتن آن جلوگیری کرد (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۰۴). خلاصه آن که کنترل مناطق و عوامل جرم‌زا و سنجش خطر جرم را می‌توان با استفاده از دو روش زیر که به پیشگیری وضعی می‌انجامد به اجرا درآورد:

۱- تقویت نظارت و کنترل

۲- بالا بردن هزینه ارتکاب جرم از طریق افزایش احتمال شناسایی و دستگیری.

ابزاری که آموزه‌های ارزشمند نهج البلاغه به‌منظور مدیریت مناسب خطر جرم از حیث مراقبت و کنترل در اختیار جرم‌شناسی محاسبه‌گر قرار می‌دهد عبارت است از: تقوی، خودکنترلی، نظارت و کنترل توسط

1. Skogan & Maxfield  
2. Avoiding and Risk Managment

دیگران، امر به معروف و نهی از منکر، تقویت حیا و غیرت و فرهنگ‌سازی آن، همگرایی، آگاهی‌بخشی، تشویق افراد درستکار؛ که فراوانی توجه به آنها در جدول شماره سه به نمایش درمی‌آید.

#### ۴-۳-۱. تقوی

امام علی(ع) در آغاز اکثر خطبه‌هایش مردم را به تقوای الهی و نظم در کارهایشان سفارش می‌کند. در واقع از رایج‌ترین کلمات نهج‌البلاغه و در صدر همه مفاهیم اخلاقی، تقوی است که حدود یکصد بار در نهج‌البلاغه به کار رفته است. امام علی(ع) می‌فرماید: «الْتَّقَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ» (حکمت/۴۱۰): «تقوی سرور همه خلق‌هاست».

تقوی مهم‌ترین توصیه‌ی ایشان در وصیت‌ها و مواعظ به مردم است. در جای دیگر می‌فرماید: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَ بَصْرٌ أَفِيدَتِكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ...» (خطبه/۱۹۸): «تقوی الهی داروی دردهای دل شما و موجب بینایی درون‌های کور شما و درمان بیماری کالبد شماست». «مَنْ بَالَعَ فِي الْخُصُومَةِ أُثْمًا وَ مَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِيمٌ وَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَنْتَقِيَ اللَّهَ مِنْ خَاصِمٍ...» (حکمت/۲۹۸): «هر که در دشمنی از اندازه بگذرد گناهکار است و آن که در رفع خصومت کوتاهی کند ستمکار است و آن کس که خصومت ورزد قادر بر تقوای الهی نخواهد بود». «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ دَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ» (خطبه/۲۳۰): «تقوای الهی کلید درست‌کرداری، اندوخته‌ی قیامت، موجب رهایی از هر بندگی و نجات از هر هلاکت است».

#### ۴-۳-۲. خودکنترلی

این راهبرد «تربیت محور» بوده و بر تقویت سازوکارهایی به‌منظور پر کردن خلأهای شخصیتی افراد تکیه دارد. در واقع با زنده نگه داشتن فطرت پاک بشری انسان را از وسوسه‌های پلید دور می‌نماید. همان نظریه عمومی گات‌فردسون و تراویس‌هیرشی؛ در نظریه عمومی جرم که معتقدند؛ خودکنترلی پایین، شمار فراوانی از روابط شناخته شده میان بزهکار و عوامل دیگر را تعیین می‌کند و می‌تواند همه گونه‌های جرم را توجیه کند (ولد و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۴). امیرالمؤمنین علی(ع) در ارتباط با کنترل و مراقبت، آن‌چه را که در مرحله اول، با اهمیت تلقی کرده‌اند؛ کنترل خود افراد نسبت به عملکردشان است، قبل از اینکه مورد نظارت قرار بگیرند. ایشان می‌فرمایند: «قَدْ عَلِمَ السَّرَائِرَ؛ وَ خَبَرَ الضَّمَائِرَ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ. وَالْغَلْبَةُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ» (خطبه/۸۶): «و خداوند نسبت به تمام اسرار پنهان، آگاه و از باطن همه باخبر است و به همه چیز احاطه دارد»؛ و همچنین: «عَالِمُ السِّرِّ مِنْ ضَمَائِرِ الْمُضْمِرِينَ. وَ نَجْوَى الْمُتَخَفِّتِينَ وَ خَوَاطِرِ رَجَمِ الظُّنُونِ» (خطبه/۹۱): «خداوند از اسرار پنهان مردم و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند و از آن‌چه که در فکرها به‌واسطه گمان خطور می‌کند آگاهی دارد».

## ۳-۳-۴. نظارت و کنترل توسط دیگران

یکی از لوازم اصلی پیشگیری وضعی؛ کنترل و نظارتی است که هم از سوی مقامات رسمی جامعه مانند پلیس صورت می‌پذیرد و هم از سوی مردم که از آن به کنترل رسمی و غیررسمی یاد می‌شود. در حکومت حضرت علی(ع) نیز راهبرد کنترل جرم از طریق اعمال نظارت و مراقبت با هدف کاهش فرصت و موقعیت جرم‌زا صورت می‌گیرد. امیرالمؤمنین علی(ع) نظارت بر رفتار و عملکرد افراد را از طریق «بازرسان معتمد» تأکید نموده و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «تَمَّ تَقَدَّ أَعْمَالُهُمْ، وَأَبَعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَ تَحَفُّظٌ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطَتْ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ» (نامه/۵۳): «رفتار کارمندان را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفای‌پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی تو از کار آنان سبب امانت‌داری خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنها دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان توهم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کرده و او را کیفر کن». همان «سیاست دوگانه یا سیاست توان گیر گزینشی»؛ در اصطلاح جرم‌شناسی که در مورد بزهداران خطرناک نظارت فشرده همراه با واکنش کیفری و در مورد بزهداران کم خطر، نظارت معمولی باید اعمال گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲۳). ملاحظه می‌گردد که از دیدگاه آن حضرت هم «بازرسی درونی» و هم «بازرسی بیرونی» دارای اهمیت است و باید همزمان مورد توجه قرار گیرد. با تقویت نظارت و رؤیت‌پذیری بیرونی، می‌توان هزینه ارتکاب جرم را بالا برد و به‌واسطه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب، خطر ارتکاب جرم را مدیریت کرد. علاوه بر این از دیگر عوامل کاهش خطر جرم، مراقبت از افراد نسبت به حضور در برخی «محافل و مجالس» و تلاش جهت از بین بردن محیط‌های آلوده و مفسده‌انگیز است. «وَالْمَقِيمُ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ مُرْتَهِنٌ بِذَنْبِهِ» (خطبه/۱۳): «آن که میان شما به سر برد به کیفر گناهش گرفتار».

## ۴-۳-۴. امر به معروف و نهی از منکر

از جمله ساختارهای مهم کنترل غیررسمی جرم «امر به معروف و نهی از منکر» است. از نظر دین مبین اسلام، افراد جامعه در قبال یکدیگر مسئول بوده و وظیفه مراقبت، کنترل و نظارت را بر عهده‌دارند. امر به معروف و نهی از منکر جنبه پیشگیرانه دارد. تمام بیانات حضرت علی(ع) در نهج البلاغه را می‌توان به بحث امر به معروف و نهی از منکر ارتباط داد. می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِّلْسُفْهَاءِ» (حکمت/۲۵۲): «خداوند امر به معروف را برای اصلاح کار همگان و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان از زشتی واجب کرد». در توصیه‌ای دیگر می‌فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ» (نامه/۴۷): «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند؛ آنگاه هرچه خدا را بخوانید پاسخ ندهد». «وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ

تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنَ مَنْ فَعَلَهُ بِحُجْرَتِكَ» (نامه/۳۱): «به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش از بدکاران دور باشی».

#### ۴-۳-۵. تقویت حیا و غیرت و فرهنگ‌سازی آن

تقویت حیا و غیرت و فرهنگ‌سازی آن از جمله راه‌های پیشگیری از بزهکاری و انحرافات است. امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) حیا را عامل کنترل و بازدارنده انسان از ارتکاب زشتی دانسته و از وجود رابطه قوی و ناگسستگی بین حیا و پاکی از آلودگی خبر می‌دهد. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «مَنْ كَسَاةَ الْحَيَاءِ تَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ...» (حکمت/۲۲۳): «هر کس که لباس حیا بپوشد مردم عیب او را نمی‌بینند».

#### ۴-۳-۶. همگرایی

تقویت ارزش‌های گروهی از دیگر مواردی است که مورد اهتمام اسلام قرار گرفته است. هر قدر مناسبات افراد با محیط‌ها و گروه‌های سالم بیشتر باشد، فرد کمتر به سمت ارتکاب جرم سوق می‌یابد. «هیرشی» از بنیان‌گذاران نظریه کنترل اجتماعی معتقد است؛ فرد هر قدر پیوند اجتماعی قوی‌تر داشته و در گروه‌ها و نهادهای مختلف فعالیت کند، رفتار وی کنترل شده و از ارتکاب جرم خودداری می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲). خلوت و تنهایی، بستر و زمینه گناه فرد را بیش‌ازپیش فراهم و امکان لغزش و خطای اخلاقی او را بوجود می‌آورد. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرمایند: «سبب الفجور الخلو» «از اسباب گناهان خلوتها است» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۲۳). همچنین در جایی دیگر خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «وَالصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ» (خطبه/۵۳): «به پارسایان و راستگویانان پیوند». «مُقَارِبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ» (حکمت/۴۰۱): «آمیزگاری با مردمان ایمنی است از گزند آنان». یا در خطبه ۲۱۴ می‌فرمایند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ ... يَتَوَاصَلُونَ بِالْوَلِيَّيَةِ، ... لَأَتَشَوُّبُهُمُ الرَّيْبَةَ وَلَأَتَسْرِعُ فِيهِمُ الْغَيْبَةَ» «و بدانید بندگان که نگاهدار علم خدایند، ... به دوستی باهم پیوند دارند، ... نه در باور خویش بدگمان‌اند و نه بد یکدیگر را گویان»؛ بنابراین تعلق اجتماعی و پیوند اجتماعی موجب پیشگیری از جرم بوده و فرصت ارتکاب جرم را از مرتکب سلب می‌کند.

#### ۴-۳-۷. آگاهی بخشی

راهبرد آگاهی بخشی، نقش عمده‌ای بر بزهکاران بالقوه دارد؛ و اثربخشی آن بر «وجدان» بزهکار بالقوه است به گونه‌ای که با آگاه‌سازی او از بایدها و نبایدهای اخلاقی و تأکید بر اخلاقیات به وی در تصمیم‌گیری میان خوب و بد کمک می‌کند و او را از ارتکاب جرم منصرف می‌گرداند. افزایش سطح آگاهی، مسؤلیت‌پذیری فرد را بالا می‌برد و او را از پیامدهای نقض رفتارهای مورد انتظار مطلع می‌نماید و از همه مهم‌تر موجب بیدار کردن حس حسابگری در او می‌گردد. چنان‌که او را در مقام حسابگری و سنجش میان سود و زیان عمل خود قرار می‌دهد. آگاه نمودن مردم در آموزه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه؛ با تبیین خطرها و اعلام هشدارهای مبتنی بر رفتار مجرمانه و انحرافات صورت گرفته است. حضرت می‌فرمایند: «إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ



الإمام إِمَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ: الإِبْلَغُ فِي المَوْعِظَةِ وَالْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ...» (خطبه/۱۰۵): «بر دوش رهبر و حاکم اسلام چیزی جز آن چه که خدا بر عهده وی نهاده وجود ندارد، از جمله آموزش حکمت به مردم بیشتر برای هدایت آنان...».

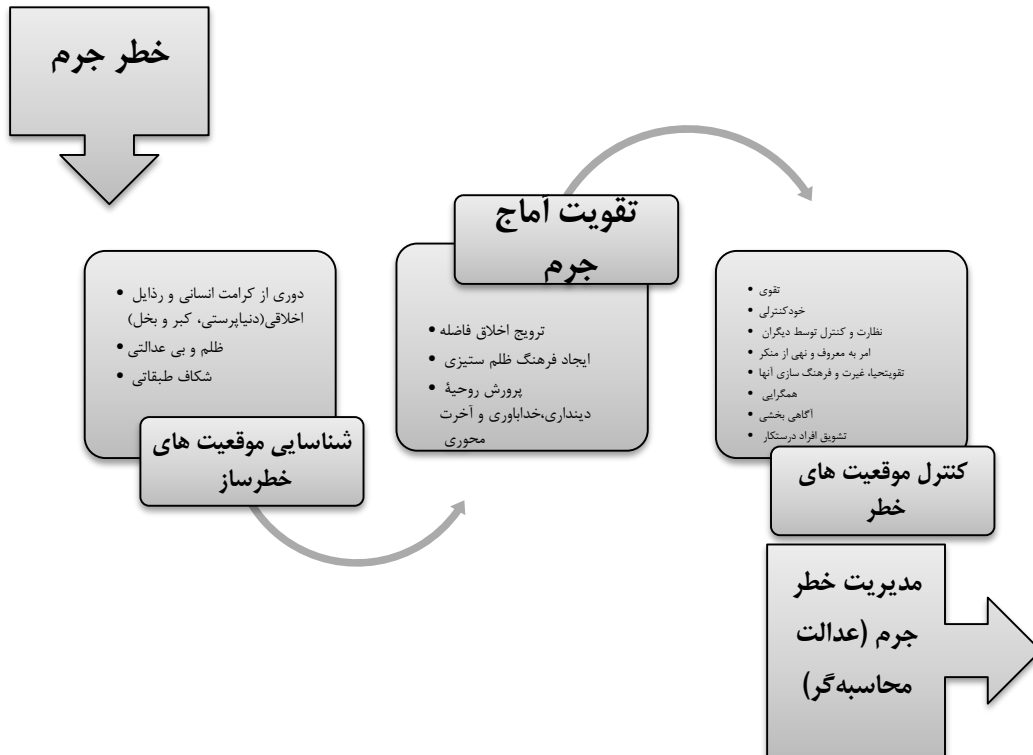
#### ۴-۳-۸. تشویق افراد درستکار

از جمله شیوه‌های پیشگیری از کژروی‌ها تشویق افراد درستکار، در مقابل افراد خطاکار است. در نگاه حضرت علی(ع) تشویق باعث انگیزه در افراد نیکوکار و به نوعی موجب تنبیه متخلفان است و در مورد لزوم آن می‌فرماید: «وَوَاصِلٌ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا أْبَلَى ذُوُّ وَ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ. فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَعْمَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّكِلَ إِنْ شَاءَ اللهُ» (نامه/۵۳): «پس آرزوهایشان را برآور و از آنها به نیکویی یاد کن و کسانی را که آزمایش نموده، رنج برده‌اند؛ همت‌شان را به زبان آور، زیرا یاد کردن نیکوکاران دلیر را به هیجان درآورده و نشسته را به خواست خدای تعالی ترغیب می‌کند.» و نیز «أزجر المسی بثواب المحسن» «بدکاران را به پاداش نیکوکار رنجه دار» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۵۹).

جدول ۳: کنترل موقعیت‌های دارای خطر

| ردیف | ابزارهای کنترل و مراقبت          | فراوانی موضوع                  | موارد انتخابی در پژوهش                                  |
|------|----------------------------------|--------------------------------|---|
| ۱    | تقوی                             | خطبه ۱۳۵<br>نامه ۱۴<br>حکمت ۱۳ | خطبه‌ها: ۱۹۸-۲۳۰<br>نامه‌ها: ۳۳<br>حکمت‌ها: ۲۹۸-۴۱۰     |
| ۲    | خود کنترلی                       | خطبه ۲۳<br>نامه ۴<br>حکمت ۱۳   | خطبه‌ها: ۸۶-۹۱<br>نامه‌ها: ۷۵-۷۶                        |
| ۳    | نظارت و کنترل توسط دیگران        | خطبه ۸<br>نامه ۳<br>حکمت ۱     | خطبه‌ها: ۱۳-<br>نامه‌ها: ۵۳-۹۸<br>حکمت‌ها: ۱۱           |
| ۴    | امر به معروف و نهی از منکر       | خطبه ۷<br>نامه ۵<br>حکمت ۸     | نامه‌ها: ۴۷-۳۱<br>حکمت‌ها: ۲۵۲                          |
| ۵    | تقویت حیا و غیرت و فرهنگ‌سازی آن | خطبه ۲<br>نامه ۳<br>حکمت ۱۶    | حکمت‌ها: ۲۲۳  |
| ۶    | همگرایی                          | خطبه ۳<br>نامه ۳<br>حکمت ۱     | خطبه‌ها: ۲۱۴-۲۶-۴۰<br>نامه‌ها: ۵۳-۲۷<br>حکمت: ۴۰۱       |
| ۷    | آگاهی بخشی                       | خطبه ۹<br>نامه ۱<br>حکمت ۸     | خطبه‌ها: ۱۰۵<br>نامه‌ها: ۱۲۵-۱۲۱<br>حکمت‌ها: ۲۳۵-۴۰۵-۷۰ |
| ۸    | تشویق افراد درستکار              | خطبه ۴<br>نامه ۶<br>حکمت ۴     | نامه‌ها: ۵۳<br>حکمت‌ها: ۱۷۷-۶۲                          |

در ذیل الگوی نهایی مؤلفه‌های محاسبه و سنجش خطر جرم مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه که مشتمل بر سه مؤلفه شناسایی، مصون‌سازی و کنترل می‌باشد؛ معرفی شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، وقتی خطر جرم وارد این الگو می‌گردد، در صورتی که مطابق با مؤلفه‌های مذکور برآورد، سنجش و محاسبه گردد؛ خروجی نهایی مدیریت خطر جرم و اجرای عدالت محاسبه‌گر خواهد بود.



شکل ۱: الگوی نهایی مؤلفه‌های عدالت محاسبه‌گر مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه (محقق ساخته)

همان‌گونه که در الگوی فوق نشان داده شده است، در تعدادی از مقوله‌ها که نقش کنترلی دارند، از منظر نهج‌البلاغه تدابیر پیشگیرانه وضعی بوده که با اعمال آنها هزینه (خطر) ارتکاب جرم را می‌توان افزایش داد. لکن عدم توجه به آنها فرصت ارتکاب جرم را به بزهکاران بالقوه می‌دهد. از طرف دیگر متغیرهای حفاظت آماج و شناسایی، لازمه شکل‌گیری یک برنامه پیشگیرانه بوده که توجه به آنها جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک‌کننده را می‌کاهد و از تصمیم نهایی مجرم و گذار از اندیشه به عمل جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب با تطبیق معیارهای مذکور و جرائم مختلف ارتکابی، می‌توان خطر ارتکاب جرم را تا حد زیادی مدیریت نمود.

## ۵. نتیجه‌گیری

یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های مبارزه با بزهکاری، گرفتن فرصت ارتکاب جرم از مجرمان بالقوه و افزایش خطرپذیری ناشی از ارتکاب جرم است. معمولاً بزهکار پیش از ارتکاب جرم، منافع و ضررهای احتمالی آن را بررسی می‌کند و تصمیم به ارتکاب یا عدم ارتکاب آن می‌گیرد. در شرایط معمولی برای ارتکاب یک عمل مجرمانه دو عامل باید وجود داشته باشد: فرصت و تمایل. پیشگیری وضعی از جرم در واقع با کاهش فرصت ارتکاب جرم، بر تمایل فرد مرتکب تأثیر می‌گذارد. امروزه این پیشگیری به‌عنوان عمده‌ترین ابزار رویکرد جرم‌شناختی در خدمت عدالت محاسبه‌گر و مدیریت سنجش جرم قرار می‌گیرد. نهج‌البلاغه و آموزه‌های متنوع آن از راه‌های مختلف برای مدیریت، محاسبه و سنجش جرم به کمک پیشگیری وضعی می‌آید. شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری، مصون‌سازی آماج‌های جرم و مناطق پرخطر، تقویت نظارت و کنترل، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم از راه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب برخی از این موارد است؛ که برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی نیز در برنامه توسعه پیشگیری مؤثر از جرم، دولت و جامعه مدنی را ترغیب کرده است تا از برنامه‌های این نوع پیشگیری حمایت کند. نقش تقوی، خودکنترلی، نظارت و کنترل بازرسان معتمد، امر به معروف و نهی از منکر، تقویت حیا، همگرایی، آگاهی‌بخشی و تشویق افراد درستکار در مدیریت خطر جامعه اساسی است. در واقع می‌توان گفت: یکی از راهکارهای کنترل جرم، رشد و احیای باورهای معنوی و اخلاقی است که در آموزه‌های عمیق نهج‌البلاغه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و معیارهای توصیه‌شده توسط حضرت علی(ع) در انتخاب الگوی مدیریت خطر بسیار تأثیرگذار است. لذا دولت‌ها و سیاست‌گذاران لازم است به این موضوع مهم توجه کنند که دستیابی عملی به عدالت محاسبه‌گر از یک‌سو نیازمند کاهش هرچه بیشتر فرصت‌های مجرمانه از طریق اعمال اقدامات محافظتی برای آماج‌های جرم و از سوی دیگر به بهبود شرایطی وابسته است که ممکن است زمینه‌ساز ارتباط جرائم باشد.

## منابع

- آمدی‌تمیمی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). **غررالحکم و دررالکلم**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن». **مجله الهیات و حقوق**، شماره ۳۲، ۳۷-۵۲.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). **پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر**. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه تهران.
- بابایی، محمدعلی. (۱۳۸۴). «جایگاه قانونی توسل به شاخص‌های زیستی، روانی و قانونی در تشخیص حالت خطرناک»، **مجله تخصصی الهیات و حقوق**، شماره ۱۶ و ۱۵، ۱۶۹-۱۸۶.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۸۸). **سیاست جنایی ریسک‌مدار**. چاپ نخست. تهران: نشر میزان.
- جوانمرد، بهروز. (۱۳۸۸). **تسامح صفر، سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرم خرد**. چاپ نخست. تهران: نشر میزان.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۳). «آمار جنایی و کارکردهای آن». **مجله حقوقی دادگستری**، سال ۶۸، شماره ۴۸ و ۴۹، ۱۰۳-۱۲۲.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۹-۴۸، ۱۶۸-۱۲۳.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۲). **ترجمه نهج البلاغه**. چاپ چهارم. تهران: افست.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). **آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات**. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت.
- صفاری، علی. (۱۳۸۰). «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم». **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۳ و ۳۴، ۲۶۷-۳۲۲.
- فرجیها، محمد و عابدی‌نژاد مهرآبادی، زهرا. (۱۳۸۷). «مدیریت خطر مجرمان: مطالعه موردی بخش کلیات پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی». **مجله کارآگاه**، شماره ۵، ۵۲-۶۷.
- قاسمی‌مقدم، حسن. (۱۳۸۸). «رویکرد مدیریت در پیشگیری از تکرار جرم». **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم**، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- کلانتری، کیومرث. (۱۳۷۴). **اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها**. دانشگاه مازندران.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). **مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی**. ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران: نشر مترجم.
- ماری، فلیپ. (۱۳۸۳). «کیفر و مدیریت خطرها به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، **مجله حقوقی دادگستری**، سال ۶۸، شماره ۴۹ و ۴۸، ۳۳۱-۳۶۴.
- مظلومان، رضا. (۱۳۵۶). **جرم‌شناسی (کلیات)**. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرخلیلی، محمود. (۱۳۸۸). **پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام**. چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). «کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو (درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار)». **مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی**، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). **مباحثی در علوم جنایی**. تقریرات به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست پنجم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم، حمید. (۱۳۹۰). **دانشنامه جرم‌شناسی**. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و جفری، اسپینس. (۱۳۸۸). **جرم‌شناسی نظری** (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). ترجمه علی شجاعی. تهران: انتشارات سمت.
- Bridgema, C. (1996). **Crim Risk Mangement**, Making it works, Crim Detecion and prevention series, paper 70, first published, London: Home offece police Research Group.
- Clark, R.V. (2005). **Seven Miscomm ceptions of situational Crim prevention**, in.Tilly (ed), Handbook of Crime prevention and community safety. Devon: Willan Publishing.
- Feely, M. & Simon, J. (1992). "The new penology: Notes on the Emerging strategy of corrections and its implications", **criminology**. 30: 144-154.
- McLaughin, E. & Mucie, J. (2001). **Dictionary of Criminology**, sage publications.
- Scott, H. (2003). "Stranger Danger: Explaning womans fer of crime"**Western Criminology Rivew**,4: 303-214. Available: WWW.Wer. Sonoma. edu.